

مقدمه:

خلق یک اثر هنری نشانه‌ی درک هنرمند از جهان بیرونی اوست که آن را با دنیای درونی، خواسته‌ها و تمایلاتش پیوند زده و به صورت یک هنر خلاقانه بروز میدهد. در واقع او برای کشف روابط میان عناصر در طبیعت و آنچه که از دیدن زیبایی‌های طبیعی دریافت کرده، اثر هنری را به وجود می‌آورد تا بتواند ناگفته‌هایش را برای دیگران بیان کند.

فرش به عنوان یک اثر هنری، تجلی خواسته‌ها و رویاهای درونی خالق آن است. در واقع طراح فرش در پی اینست تا با ایجاد یک طرح که نمایش مجموعه‌ای از زیبایی‌های طبیعیت، به انتظارات درونی اش رنگ واقعی بخشد و با تصور لحظه‌ای که قرار است اثرش با دستان هنرمندی دیگر (بافنده) بر تار و پود فرش گره بخورد و زندگی یابد، تمام هنر خود را به کار می‌گیرد تا جای هیچ‌گونه نقص و کمبودی باقی نماند. او اثرش را نه تنها برای خود بلکه برای لذت دیگران و پاسخی به نیازهای آن‌ها خلق می‌کند.

زیبایی‌شناسی در این حیطة، به معنای شناخت و درک زیبایی در اثر هنری اوست که از پیوند سه عامل؛ واقعیت، تمایلات و ذوق هنری اش الهام گرفته است.

در دانش زیبایی‌شناسی ثابت شده که احساس زیبایی مقدم بر درک و تفسیر آن است و انسان باید اول اثری را که شی زیبا در نفس او می‌گذارد احساس کند و بعد به تفسیر این احساس و درک علل و عوامل آن بپردازد و ویژگی‌های آنچه زیباست و احساسات و عواطف انسانی را برمی‌انگیزد، تجزیه و تحلیل کند.

حدیث فرش ایران، حدیث عاشقان ناشناخته‌ای است که هنر خود را که تنها خودشان به مفهوم آن آشنا هستند با پیچیدگی و تکرار مظاهر نقش و رنگ معنی داده و برای ارضاء حس زیبادوستی در خود و دیگران به ارمغان آورده‌اند.

رنگ و نقش دو عامل اصلی و تعیین‌کننده در حوزه زیبایی‌شناسی فرش هستند که مطالعه‌ی امور زیبایی‌مربوط به آن از طریق این دو حوزه ممکن می‌شود، البته شاید بتوان به جرات گفت که جنبه ناب زیبایی و هنری فرش ایران در نقشپردازی آن آشکار است.

قالی کرمان از جمله مواردی است که دارای ظرافت های بالفعل در طرح و نقش و رنگ است که سبک آن را از سایر سبک های فرش دستباف ایرانی متمایز نموده است.

زیبایی شناسی طرح، نقش و رنگ قالی های کرمان با انتخاب نمونه های موجود در موزه فرش ایران، موضوع اصلی مورد توجه در این پژوهش می باشد که با هدف شناخت عوامل اصلی زیبایی در طرح و رنگ آن مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از دلایل شهرت قالی پرآوازه کرمان، فروانی نقش ها و طرح های جالب آن و استفاده از مجموعه متنوع رنگ هایی است که با یکدیگر در تعامل کامل هستند. طراح کرمانی هیچ گاه خود را محدود در چند رنگ و نقش نکرده است، او همیشه سنت شکن بوده و با سرانگشت ماهر و توانای خود همواره تخیلات نامحدود انسانی را به درون فرش کشانده است.

چگونگی ارضاء حس زیبایی ما از یک اثر هنری، بستگی کامل به درک روابط موجود میان عناصر تشکیل دهنده آن دارد که هر چه وحدت یا هماهنگی بین شکل ها و صورت های یک اثر هنری بیشتر باشد، حس زیبایی ما را بیشتر ارضا می کند. هماهنگی طرح و رنگ در قالی های کرمان را می توان عامل اصلی زیبایی در آن بیان کرد که ارزش و اصالت آن را برای هر بیننده ای به روشنی آشکار می کند. قالی های کرمان در موزه فرش ایران به عنوان شاهکارهای هنری این هماهنگی و زیبایی را در ارضاء حس زیبایی به خوبی نشان می دهند، ضمن اینکه نقوش به کار رفته در طرح این قالی ها علی رغم سادگی و صورت طبیعی، پیوندشان با نقوش کهن به کار رفته در آثار تاریخی و ارتباط با مضامین ادبی را آشکارا بیان می کند. با توجه به همه ی مواردی که ذکر شد در این تحقیق سعی بر اینست تا ویژگی های منحصر به فرد در طرح، نقش و رنگ قالی های کرمان موجود در موزه فرش ایران به عنوان عوامل اصلی زیبایی و اصالت آن ها بیرون کشیده شده و مورد بررسی قرار گیرد.

به این منظور بعد از ارائه ی مطالبی پیرامون زیبایی شناسی و توضیح آن در فرش، ۱۳ نمونه از قالی های کرمان موجود در موزه فرش ایران با ارائه تصاویر معرفی شده اند و در دو فصل جداگانه طرح-نقش و رنگ آن ها مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیات تحقیق

بیان مسئله و اهمیت موضوع:

قالیبافی در استان کرمان از جمله هنرها و صنایعی است که براساس مستندات موجود، از پیش از دوره صفویه در این شهر وجود داشته است. در سال های جنگ جهانی اول، وقفه ای در این صنعت ایجاد شد اما با پایان گرفتن جنگ، توسعه ی صنعت قالیبافی به طور کلی بیش از پیش ادامه یافت و نفوذ شرکت های صادراتی خارجی دوباره قالیبافی را در این استان رونق داد به طوری که که نخستین طرح های قالی های کرمان متعلق به اوایل قرن ۱۳ ه.ق (۱۹ میلادی) می باشند. در این زمان تغییراتی در طرح های قالی کرمان به وجود آمد و آثار دلنشین و جاودانه ای توسط طراحان نام آور کرمانی ایجاد شدند. نمونه ای از این قالی های زیبا به صورت گنجینه ای ارزشمند در موزه فرش ایران نگهداری می شوند که ارزش و زیبایی این قالیها علاوه بر طرح و رنگ آمیزی هنرمندانه، بافت و قدمت آنها، بستگی به عوامل دیگری نیز دارد که هر یک به نوبه ی خود در ایجاد زیبایی بصری در این قالیها، مؤثرند و نگاه هر بیننده ای را به خود جلب می کنند. در این پژوهش، سؤال اصلی اینست که وجود چه عناصری در این قالیها، باعث زیبایی، اصالت و ارزشمندی آنها شده است، به طوری که می توان این عناصر را به عنوان شاخصه های اصلی زیبایی قالی کرمان در نظر گرفته و مورد بررسی قرار داد.

سوالات پژوهش:

- ۱- عوامل اصلی زیبایی در قالیهای کرمان (موجود در موزه ی فرش ایران) کدامند؟
- ۲- آیا وجود عناصر و کیفیات خاص بصری در طرح قالی های کرمان (موزه فرش ایران) باعث اصالت و ارزشمندی آنها شده است؟
- ۳- مهمترین شاخصه ها اصلی طرح و نقش و رنگ قالی های کرمان در موزه فرش ایران چه می باشند؟
- ۴- مهمترین عوامل تعیین کننده ی زیبایی در قالی کرمان (با تکیه بر قالیهای موزه فرش ایران) چه هستند؟

۵- آیا قالی های اصیل بافت کرمان (تاکید بر قالی های موزه فرش) تفاوت های مشخصی در ساختار طرح و سبک رنگ پردازی با فرشهای جدید این منطقه دارند؟

۶- اصلی ترین ویژگی های بارز زیبایی قالی های کرمان در چه قسمتی قابل بررسی می باشند؟

۷- مهمترین ویژگی رنگهای به کار رفته در فرش های کرمان موزه فرش ایران چه می باشند؟

سابقه و ضرورت:

سابقه: منابع متعددی در زمینه ی معرفی و آشنایی با منطقه ی قالیبافی کرمان و ویژگی های طرح و نقش قالیهای این منطقه و دوره های مختلف فرشبافی ان تالیف شده است که در تمامی این منابع به طور مختصر از فرشبافی کرمان و سایر موضوعات مربوط به این حرفه، مطالبی ذکر و بیان شده است از جمله مهمترین منابعی که در این زمینه، قابل استفاده اند، عبارتند از: فرشنامه ایران تالیف دکتر حسن اذریپاد و فضل ... حشمتی، در این کتاب مطالب مهمی پیرامون فرشبافی کرمان به عنوان یکی از مراکز مهم در هنر و صنعت فرشبافی و همچنین دوره های تاریخی ان ذکر شده است.

کتاب قالی ایران نوشته ی سیسیل ادواردز نیز به معرفی کرمان و فرشبافی این منطقه در دو دوره مهم و معرفی طرح ها و نقوش مهم آن پرداخته است. دوره اول مربوط به دوران صفویه و دوره دوم، پس از دوران فترت یعنی قرن ۲۰.

پژوهشی در فرش ایران تالیف تورج ژوله هم، سند دیگری برای آشنایی با مناطق مهم فرشبافی در کرمان و ویژگی های تکنیکی و ظاهری بافته های هر منطقه می باشد، همچنین مطالبی مختصر در شناخت انواع نقوش مورد استفاده در این منطقه ارائه شده است. در کتاب قالی های مهم جهان، نوشته ی خانم (Susan Day) کرمان به عنوان یکی از مناطق مهم فرشبافی ایران مورد بررسی قرار گرفته و مقاله ی کوتاهی در این کتاب راجع به قالی های صد سال اخیر این منطقه نوشته شده است.

در کتاب Oriental Carpet Design نوشته P.R.J Ford که بر اساس طبقه بندی نقشمایه های خاص در قالی ایران، مرتب شده است زیر مجموعه برخی از نقشمایه ها مانند نقش بته، گل شاه عباسی و ... به فرش های منطقه کرمان اشاره شده و ان نقش خاص در این فرش ها بررسی شده است.

مجموعه کتاب های هنر ایران نوشته (Arthure Upham Pope) نیز شامل بخش هایی درباره قالی کرمان زمان صفویه و انواع فرش های بافته شده در این دوره می باشد.

Oriental Rug and Design کتاب دیگریست در رابطه با فرش که توسط (Yan Bennet) تالیف شده است، در این کتاب فرش های شرق دنیا بر حسب دوره های تاریخی با ارزش فرشبافی تقسیم بندی شده و از ایران نیز مطالب مهمی ارائه شده و هر منطقه ی فرشبافی با ذکر دوره های تاریخی در هر شهر و مناطق مهم و طرح های رایج در آن زمان را عنوان نموده که یک از منابع بسیار مهم فرش می باشد. در این کتاب در قسمت قالی های دوره صفویه و قالی های گلدانی تعدادی از قالیهای کرمان با ذکر ویژگی های بافت، طرح و رنگ مورد بررسی قرار گرفته است.

در کتاب خانم May Beatti با عنوان Persian Rug قالی های ایران به صورت دوره ای معرفی شده اند، در قسمت مربوط به قالی های صفویه در این کتاب به قالی کرمان نیز اشاره شده است. در کتاب طراحان بزرگ فرش ایران نوشته شیرین صور اسرافیل، که معروفترین طراحان فرش هر منطقه معرفی شده اند، نیز مطالبی پیرامون شیوه طراحی و ویژگی طرح و نقش قالی های کرمان ذکر شده است.

کتاب فرش ایران تالیف لیلا دادگر از دیگر منابعی است که در آن گزیده ای از فرش های موزه فرش ایران، معرفی و بررسی شده اند و در میان این فرشها چند قطعه از قالی های کرمان نیز با ارائه تصویر آمده است.

کتاب طرح ها و نقوش فرش دستباف کرمان نوشته ی حمیده واعظی، هم به معرفی مهمترین طرح های مورد استفاده در فرشهای کرمان پرداخته است.

اما مهمترین منابع مورد استفاده که به عنوان این پژوهش نزدیکتر هستند عبارتند از: شناسایی، ریشه یابی و احیای فرش کرمان یک طرح پژوهشی است که توسط خانم مهرانگیز مظاهری تهرانی، نوشته شده، در این پژوهش مهمترین ویژگی های نقشپردازی و طراحی در فرش کرمان ریشه یابی برخی از طرح های اصیل این منطقه پرداخته شده، همچنین رنگ در فرش این منطقه مورد بررسی قرار گرفته است.

یک پایان نامه در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه الزهرا تهران با موضوع زیبایی شناسی نقوش قالی کرمان از دوره قاجاریه تا پهلوی توسط بهاره یزدانپناه نیز انجام شده است که در آن مطالبی راجع به قالببافی این منطقه در دو دوره مهم قاجار و پهلوی بیان شده و به معرفی مهمترین طرح های مورد استفاده در هر دوره و ویژگی های زیباشناختی این طرح ها پرداخته شده است و در پایان نمونه هایی از فرش های کرمان با ارائه تصاویر توصیف و معرفی شده اند.

یک پژوهش دیگر با عنوان؛ بررسی طرح ها و نقوش قالی های قاجار موجود در موزه فرش ایران، توسط خانم ها طیبه صباغ پور و مهناز شایسته فر نوشته شده که در انجام این پژوهش و رسیدن به اهداف مدنظر، مستمر ثمر خواهد بود.

اما، مقاله یا پژوهشی که به طور مستقیم به زیبایی شناسی طرح و رنگ قالی های کرمان موجود در موزه ی فرش ایران(با در نظر گرفتن فرضیه های ذکر شده)پرداخته باشد، وجود ندارد.

ضرورت: انجام این پژوهش علاوه بر علاقه ی شخصی مؤلف در جهت تکمیل اطلاعات مربوط به طرح، نقش و رنگ قالی های کرمان با تاکید بر قالبهای موجود در موزه فرش ایران و نیاز دانشجویان و دانشکده های فرش ایران به این اطلاعات در جهت توسعه هنر و صنعت قالببافی استان کرمان، از جمله ضرورت های اصلی این کار می باشد.

اهداف:

- آشنایی و معرفی مهمترین شاخصه های زیبایی طرح و رنگ قالی های کرمان موجود در موزه فرش ایران

- بررسی مهمترین عوامل زیبای و اصالت در قالی های کرمان موجود در موزه فرش ایران.

- نقد زیباشناسانه ی قالی های کرمان در موزه ی فرش ایران با صحنه گذاردن بر عناصر بصری.

- شناخت مهمترین ویژگی های طرح، نقش و رنگ قالی های اصیل سبک کرمان با تاکید بر قالی های

موزه فرش ایران.

فرضیه ها:

- به نظر می رسد استفاده هنرمندانه از عوامل بصری مختلف در طرح، نقش و رنگ قالی کرمان (با تاکید بر قالی های موزه فرش ایران) باعث زیبایی، اصالت و ارزشمندی این فرش ها شده باشد.
- می توان اصلی ترین مشخصه های زیبایی قالی های کرمان را در طرح و نقش و رنگ آن جستجو کرد.
- به نظر می رسد که قالی های کرمان نسبت به دیگر مناطق فرش بافی ایران، دارای ویژگی های منحصر به فردی در طرح و رنگ می باشند.
- قالی های اصیل سبک کرمان به لحاظ ساختار و نوع نقشمایه و رنگ دارای ویژگی های مشخصی هستند.

جامعه ی مورد مطالعه:

جامعه ی مورد مطالعه در این پژوهش، قالی های کرمان موجود در موزه ی فرش ایران، می باشد که به عنوان نمونه برای بررسی زیباشناسانه ی طرح و رنگ قالی کرمان، مورد ارزیابی و مطالعه قرار می گیرند تا مهمترین عوامل زیبایی اصالت و ارزشمندی در قالی کرمان شناخته و معرفی شود.

روش تحقیق:

این تحقیق از نوع تحقیقات تجربی- نظری می باشد که برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از دو روش کتابخانه ای و میدانی استفاده شده است و نمونه های مورد بررسی به صورت تصادفی انتخاب شده اند. در تکمیل اطلاعات از نظرات استادکاران و اساتید فن نیز استفاده شده و در نهایت کلیه ی مطالب جمع آوری شده مورد تجزیه و تحلیل کمی و کیفی قرار می گیرند.

تعریف مفاهیم:

- زیباشناسی (Aesthetic): شناخت و معرفت پیدا کردن نسبت به امر و عامل زیبا از کلیه ی وجوه که اعتبار زیبایی را به شیء موجود می بخشد.
- زیبایی: نظم و هماهنگی که همراه عظمت و پاکی در شیء وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد.

- فرش: هر چیز گستردنی از جمله قالی، گلیم، نمد، گبه، حصیر و ...

- **قالی**: نوع فرش پرز دار منقش و گرانبها

- **طرح و نقش**: یکی از مهمترین عوامل در شناخت زیبایی فرش که در نگاه اول توجه هر بیننده را به خود جلب می کند.

- **طرح**: نقشه ی اولیه ی هر چیزی که برای بیان هر شکل هنری به کار می رود، طرح در فرش عبارت از نقشه ایست که برای بافته شدن روی دار، توسط طرح ترسیم می شود.

- **رنگ**: یکی از مهم ترین عناصر بصری است که کیفیات و خصوصیات برجسته ای به فرش می دهد.

- **عناصر بصری**: اولین اجزایی که چشم در رویارویی با یک اثر دریافت می کند. عناصر بصری زبان ارتباطی گویایی هستند که کیفیات گوناگون و دنیایی از برداشت های متنوع از طبیعت و نظام زندگی در خود دارند.

بخش اول: تعریف زیبایی شناسی

زیبایی شناسی یعنی شناختن زیبایی که شامل انواع زیبایی ها و هنرهای زیبا می شود؛ علمی است که درباره ی زیبایی و احساساتی که از مشاهده ی آن در انسان پدید می آید، بحث می کند (عمید، ۱۳۸۴: ۱۱۲۷) احساس و مشاهده ی زیبایی تنها بخشی از روند زیبایی شناسی است و درک و ارزیابی آن بخش دیگریست که انسان پس از گذر از مرحله ی قبلی به مرحله ای می رسد که درصدد کشف علت و انگیزه ی این احساس بر می آید تا واکنش خود را توجیه کند و درباره ی اثر و زیبایی که ذهن او را به خود معطوف ساخته، داوری کند. (حسین الصدق، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

هدف زیبایی شناسی، شناساندن جمال و هنر است و درباره ی مجموعه ی انفعالات و احساسات درونی و زیبایی و زشتی و هزل و ظلمت و... گفتگو می کند. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۱۵۰۹) واژه ی زیبایی شناسی یا (استتیک) ریشه ی یونانی داشته و از یک ریشه ی زبان شناختی مشترک یعنی حساسیت و زیبایی مشتق می شود و به معنای دریافت است، همچنین قابلیتی برای درک بهتر اجسام.

درک زیباشناسانه موضوعی مرکب است که در آن عوامل عاطفی و عقلی با هم دخالت دارند. در این نوع درک ماهیت و صورت، محتوا و سطح یا کیفیت و فرم هر دو با هم قابل تفحص است. (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۱) به عبارت دیگر درک زیبایی شناختی متمرکز است بر صورت یا آرایش عناصر و اجزای موجود در رسانه ای حسی، مستقل از هر گونه شناخت جهان. (لویسنون و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۲) واژه ی زیبایی شناسی را عموماً با لذت یا فرایند درک اشیا مرتبط می دانند، لذت زیبایی شناختی پاسخی حسی به صورت نیست بلکه پاسخی است به حرکت کامل معنا در صورت اثر هنری.

از طرفی، زیباشناسی را علم چگونگی شناخته شدن اشیا و امور از راه حواس تعریف کرده اند، ریشه زبان شناختی زیباشناسی نیز پیش از هر چیز بر امر محسوس تاکید می گذارد و امر زیبا مشخص ترین و بهترین نمونه ی امر محسوس است که در بهترین شکل به ذهن ورود می یابد. (سوانه، ۱۳۸۹: ۱۸-۱۷) در ارزشیابی زیباشناسی، عوامل دیگری چون تجربه، دانش و عوامل اجتماعی- روانی نقش بسزایی ایفا می کنند. لذت بردن از آثار هنری که دارای معیارهای زیباشناسی می باشند یکی از

راههای ارضای تخیلات است. (گروتز، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۶) در دانش زیبایی شناسی نظری ثابت شده است که احساس زیبایی مقدم بر درک و تفسیر آن است، انسان باید اول اثری را که شیء زیبا در نفس او می گذارد، احساس کند بعد به تفسیر این احساس و درک علل و عوامل آن پردازد و ویژگی های آنچه که زیباست و احساسات و عواطف انسانی را برمی انگیزد، تجزیه و تحلیل کند.

زیبایی شناسی به طور کلی شامل این موارد می شود:

۱- تجربه ی زیباشناختی: همه ی تعاریف زیباشناسی دارای یک نقطه ی مشترک هستند که مبنای همه ی آن ها تجربه است. در احساس زیباشناختی، آنچه به وسیله ی حواس ادراک می شود، خودش را به شکل یک تجربه ی زیستی و غنابخش عرضه می کند. رابطه ی فردی سوژه با یک چیز زیبا یا اثر هنری که او را تحت تأثیر قرار دهد سر منشأ پیدایش کل تجربه ی زیباشناختی است. (سوانه، ۱۳۸۹:

(۳۱)

۲- فاصله ی زیباشناختی: منظور از فاصله ی زیباشناختی اینست که بعد از تجربه کردن امر زیبا، باید از مورد تجربه، فاصله گرفت، زیرا این کار این امکان را می دهد که بی آنکه خدشه ای به حس تجربه شده وارد شود آن را در زمینه ی مشخص اش قرار داد و به شیوه های دیگر غنا بخشید.

۳- مسئله زیباشناختی: در زیباشناسی فاصله گرفتن از اثر هنری نه تنها کافی نیست بلکه خود این فاصله هم باید در نهایت به شکل یک مسئله نگریسته شود. طرح مسائل و یافتن راه حل برای آن ها اولویت تمامی بخش های زیباشناسی است. هر اثر هنری راستین به نوعی به مسئله ی زیباشناختی آفرینش پاسخ می دهد و به شیوه ی خود برای آن پاسخ می یابد. (همان: ۳۵-۳۳)

از نظر افلاطون، زیبایی شناسی در پرتو فلسفه ای تفسیر می شود که جهان را به صورت یک حقیقت می پندارد حقیقتی که فعالیت انسان در آن مفروض است، حقیقتی که انسان باید خود را تسلیم و دمساز آن کند. یعنی اینکه هنرمند خلق نمی کند بلکه خود را محدود به تقلید می نماید و در اینجا تاکید بر عین است نه ذهن. (اتینگهاوزن و دیگران، ۱۳۷۴: ۱۶-۱۵) عده ی زیادی هم بر این عقیده اند که خصوصیات زیبایی شناختی عبارتند از خصوصیات ادراکی یا مشاهده پذیر، خصوصیاتی که مستقیماً در معرض تجربه قرار می گیرند و خصوصیات مرتبط با ارزش زیبایی شناختی اشیائی که

از آن خصوصیات برخوردارند. (لوینسون و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴). هنر حاصل ذوق، حس زیباشناختی هنرمند، تجربه‌ها و آموخته‌های اوست، هنرمند در این مسیر در تعامل با هنر و دانش اقوام و ملل دیگر، بر غنای تجربه‌ی خود می‌افزاید و افق دید خویش را می‌گستراند و از این رهگذر آثار و اندیشه‌های هنری به منصفی ظهور می‌رسند و میراث هنری شکل می‌گیرد. (لوینسون، ۱۳۸۷: ۲۱)

توضیح واکنش نسبت به زیبایی و هنر، توصیف آن‌ها، تبیین چگونگی دریافت پدیده‌های «زیبا» و «هنری» توسط انسان، توضیح کیفیت‌ها و راه‌های تجربه‌انسان در برابر یک شیء زیبا یا اثر هنری، تعیین اینکه مفاهیم و هنر معانی دیگری جز معانی ذهنی را دارند یا نه، همگی از مباحث اصلی زیبایی‌شناسی به شمار می‌آیند (پاکباز، ۱۳۷۸: ۲۸۷). زیبایی غالباً به منزله یک ویژگی در میان ویژگی‌های متعدد زیبایی‌شناختی به شمار آورده می‌شود.

هنر و زیبایی:

خلق هر اثر هنری، بازتاب احساسات و ادراکات انسان هنرمند از محیط پیرامون او و زمینه‌های مورد علاقه‌اش می‌باشد هر موضوع را که انسان بررسی می‌کند خواه کوچک و یا بزرگ، جنبه‌های مختلف حواس و شناخت او را بیان می‌کند. آثاری را که هنرمند با الهام از طبیعت و ذهنیانش به وجود می‌آورد مظهر فرهنگ و تمدن و پدیده‌های حاکم بر زندگی اوست. دانش هنر مانند سایر علوم دارای اصول و ضوابط ویژه‌ای است و با معیارهای خاص خود سنجیده و ارزیابی می‌شود با این تفاوت که در عرصه‌ی هنر هیچ قاعده و قانونی مطلق، قطعی و غیرقابل تغییر نمی‌باشد، زیرا که هنر مستقیماً با جریانات روحی و فکر انسان در ارتباط است که آنهم همواره دستخوش تغییر و تحول است. از نظر کروچه فیلسوف ایتالیایی، هنر کیفیت ذهن انسان در برابر محسوسات و پدیده‌هاست. (حلیمی، ۱۳۸۳: ۹) هنر و زیبایی دو امر جدا ناشدنی اند که درک و شناخت هر یک، مستلزم درک و شناخت دیگریست. در اینجا نخست نمونه‌هایی از تعاریف زیبایی ارائه می‌شود تا بینش گسترده‌تری نسبت به هنر و زیبایی در ذهن مخاطب ایجاد شود و سپس به مفهوم و معنای زیبایی در فرش به عنوان یکی از هنرها (سنتی) پرداخته می‌شود.

در قرن ۱۸ مفهوم زیبایی هر چه بیشتر به عینیت درآمد، مشخصه‌هایی همچون «احساس، ذوق و قریحه» در ارتباط با آن به کار می‌روند. (گروتز، ۱۳۹۰: ۳۸)

تعریف زیبایی و معنای آن در قرآن و تفکر اسلامی:

زیبا یعنی زیننده و خوب و نیکو و زیبایی یعنی زیبا بودن. (دریایی، ۱۳۸۵: ۲۶)

معنای لغوی زیبایی عبارت است از «حالت و کیفیت زیبا که از نظم و هماهنگی همراه با عظمت و پاکی در شیء ایجاد می‌شود و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک می‌کند و لذت و انبساط به وجود می‌آورد و امریست نسبی. (معین، ۱۳۷۵: ۱۷۶۹) درک و شناخت زیبایی نه از امور عقلانی است و نه محسوس بلکه تجربه‌ای است دلپذیر و محفوظ‌کننده که نتیجه‌ی توازن میان تخیل و فهم است. (علایی، ۱۳۹۰: ۲۵) زیبایی چیزی است که ما از طریق نوع خاصی از لذت به آن آگاهی می‌یابیم، نوعی که به داورپها جواز می‌دهد تا ادعای صحت و حقانیت کنند. (لویسون، ۱۳۷: ۱۵۲)

در بررسی معنای زیبایی تعاریف متعددی وجود دارد، در این پژوهش بحث زیبایی ابتدا با استناد به آیه‌ای از قرآن، در این باره آغاز می‌شود که بیانگر اینست خداوند زیبایی و تأثیر آن را در بندگانش دوست دارد و همچنین اهمیت و ارزش آن در آیین و تفکر اسلامی را روشن می‌سازد. در سوره‌ی حجرات آیه‌ی ۷ خداوند می‌فرماید: «و لکن الله حبیب الایمان و زینة فی قلوبکم» خداوند ایمان را به دلها تان محبوب نموده و ایمان را در دلها ی شما با زیبایی بیاراست. در تفکر اسلامی اصل و اساس زیبایی به خداوند باز می‌گردد. (دریایی، ۱۳۸۵: ۲۷)

«ان الله جمیل و یحب الجمال» (خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد) این حدیث بر زیبایی

مطلق خدا دلالت دارد. (فهیمی فر، ۲۲۲: ۱۳۹۰)

در قرآن کریم آیه‌ی «هو... الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی» بیانگر اینست که خداوند منشاء حسن و زیبایی است و اثر هنری به مثابه مخلوق هنرمند چون با زیبایی سر و کار دارد از طریق نشان دادن زیبایی دلالت بر خداوند سبحان و زیبایی‌های او می‌کند. (همان)

دکتر شریعتی، زیبایی را به عنوان یکی از منازلی که هنر باید از آن بگذرد و به مرحله ی متعالی تر برسد، تعریف می کند، تفسیر زیبایی با این مفهوم، با زیبایی قرآن همسو می باشد. در این دیدگاه عقل زیبایی را ادراک کرده و حس با معنابخشی این دریافت، زیبایی را لمس می کند. زیبایی به عنوان بخشی از فرهنگ اسلامی و عاملی ضروری برای انسان ها به حساب می آید و در نتیجه این واقعیت را ثابت می کند که بشریت از آغاز تاکنون در پی زیباسازی خود و محیط پیرامونش بوده است. مبادی هنر و زیبایی در اسلام کاملاً عرفانی و تابع نگرش معنوی مسلمین به حقیقت و هستی آدمی و عالم است. (دریایی، ۱۳۸۵: ۲۷)

«هنر اسلامی از حقیقت محاکات می کند و تاکید بر نفسانیات هنرمند این حقیقت را مستور می کند.» (فهیمی فر، ۱۳۹۰: ۲۲۳) در هنر اسلامی جمال و هنر زیر مجموعه کمال اند. جلال صبغه دیگری از کمال مطلق است. کمال، گاهی در کارهای مثبت ظهور می کند که نام آن جمال است و گاهی در کارهای منفی ظهور می کند که نام آن جلال است. (همان: ۲۳۰)

به طور کلی هدف هنر اسلامی ایجاد زمینه برای مخاطب در جهت تکامل الهی و محرکی برای انسان کامل است. (همان: ۲۲۷) یکی از خصوصیات هنر اسلامی وجود رابطه ی میان هنر و حقیقت است. خداوند عین حقیقت و زیبایی مطلق است و هنرمند با ترسیم زیبایی، به وسع خود حقیقت را کشف می کند. (همان: ۲۲۳)

تعاریف زیبایی در نظر برخی از اندیشمندان و فلاسفه هنر:

برای بیان تعاریف زیبایی از آراء فیلسوفان یونان باستان آغاز می کنیم. افلاطون یکی از فیلسوفان بزرگ یونان باستان و سبک زیبایی شناسی کلاسیک بوده است. در نظر افلاطون زیبا چیزی است که با خود و برای خودابدی و مطلق وجود دارد، یک حقیقت است، حقیقت هستی که خودش را در هنر بر ما نمایان می کند. افلاطون می گوید: «زیبایی اتحاد میان متضاد است، همیشه هست بزرگ و کوچک نمی شود، ابدی است» او زیبایی را با مفید بودن، لذت و تناسب مشخص می کند (بیردزلی و دیگران، ۱۳۷۶: ۹۶) افلاطون زیبایی را به دو نوع تقسیم کرد، از یک طرف زیبایی موجود در طبیعت و موجودات زنده و از طرف دیگر، زیبایی در هندسه، خطوط مستقیم و دایره. (گروتز، ۱۳۹۰: ۳۷)

در نظر قدیس توماس آکویناس و آراء زیبایی شناختی او زیبایی آن چیزی است که در دیده شدن خوشایند است. (فهیمی فر، ۱۳۹۰: ۱۹۸)

کانت چنین استدلال کرد که شیء زیبا در واقع نمود ذهنی صورت همان شیء است. در نظر او، زیبایی عبارت از گونه ای هدفمندی یا غایت در شیء است که به دور از هدف یا غایت ادراک شود. کانت با متمایز ساختن «صورت» و «غایت» از هم، تلویحاً بیان می دارد که صورت یا شکل را هر مدرکی در می یابد و حال آنکه موضوع اثر هنری امریست اعتباری و هر کس از ظن خود یار آن می شود، تصور کانت از زیبایی تصویری است قائم به وجه صوری، تزئینی، تجلی و انتزاعی اشیا. (علایی، ۱۳۹۰: ۲۰-۱۸)

هگل میان زیبایی هنری و زیبایی طبیعت تفاوت قایل است. به عقیده ی او نخستین صورت محسوسی که مثال یا ایده در آن تجلی می کند طبیعت است، از این رو طبیعت نخستین صورت زیبایی است. (همان: ۲۶)

به عقیده ی هگل زیبایی حسی است که توسط طبیعت تعیین شده و به طور غریزی دریافت نمی شود، دریافت زیبایی مستلزم حسی است به نام سلیقه و ذائقه و طبع آدم تعیین می کند که چه چیزی زیباست و این طبع و سلیقه هم اکتسابی است و در نهایت اینکه حس دریافت زیبایی قابل یادگیری و قابل شکوفایی است. (گروتر، ۱۳۹۰: ۴۴)

هگل می گوید: «زیبایی تابش مطلق یا مثال از پس حجاب جهان محسوسات» است و تنها هنر است که به راستی زیباست، زیرا هنر آفریده ی روح است. (مارکوزه، ۱۳۸۵: ۳)

ملاک های زیبایی در نظر آکویناس عبارت اند از «تمامیت یا کمال چنان که چیزهای ناتمام یا شکسته زیبا نیستند. اندازه یا تناسب که هم ناظر به تناسب میان اجزای شیء زیباست و هم نسبت یا رابطه ای میان شیء و بیننده را در برمی گیرد. (علایی، ۱۳۹۰: ۱۶)

لئون باتیستا آلبرتی می گوید: زیبایی عبارت است از هماهنگی قانونمند تمام اجزاء به طوریکه که نتوان چیزی را به آن اضافه و یا از آن کاست و یا تغییر در آن ایجاد کرد. (گروتر، ۱۳۹۰: ۳۸)

کروچه فیلسوف ایتالیایی، زیبایی را اینگونه تعریف می‌کند: «زیبایی صفت ذاتی اشیا نیست بلکه در نفس بیننده است. زیرا نتیجه فعالیت روحی کسی است که زیبایی را به اشیا نسبت می‌دهد یا در اشیا کشف می‌کند.» (حاج محمد حسینی و دیگران، ۱۳۸۴، ۶۶)

به طور کلی نظریاتی که در تعریف هنر و زیبایی بیان کرده اند بر دو نوع اند: یکی درونی یا ذهنی و دیگری عینی، صاحبان نظریه های ذهنی می گویند زیبایی چیزی نیست که در عالم خارج وجود داشته باشد و بتوان آن را با شرایط و موازین معینی تعریف کرد، بلکه کیفیتی است که ذهن انسان در برابر بعضی محسوسات از خود ایجاد می کند، از طرف دیگر، صاحبان نظریه های عینی معتقدند زیبایی یکی از صفات عینی موجودات است و ذهن انسان به کمک قواعد و اصول معینی آن را درک می کند. (همان، ۶۷) طبق این نظریه برای رویت زیبایی و حقیقت چاره ای جز نگرستن در صورت نیست.

در این پژوهش، زیبایی مورد نظر ما، مجموعه عواملی است که ذهن و حس آدمی را درگیر اثر می سازد. (دریایی، ۱۳۸۵: ۲۶) دریافت حس زیبایی، معمولاً با لذت همراه است و این حس به طور غریزی در سرشت آدمی نهفته است. به گونه ای که انسان به طور ناخودآگاه برای ارضای حس زیباخواهی خود در طلب محیطی زیباست تا زیباییها را احساس و دریافت کند. برای روشنی مطلب می توان یک قطعه فرش را مثال زد که هنرمند عالی ترین و برجسته ترین تلاش خود را که حاصل ذوق و اندیشه و احساس، خیال و ذهنیت اوست، در یک سطح بصری متجلی می سازد و تمامی عوامل را که حس زیبایی و دریافت آن را در انسان تداعی می کند، در کنار هم به تصویر می کشد. هنر او، حاصل ذوق، حس زیباشناختی، تجربه ها و آموخته های اوست که در این مسیر در تعامل با هنر و دانش اقوام و ملل دیگر، بر غنای تجربه ی خود می افزاید و افق دید خویش را می گستراند و از این رهگذر آثار و اندیشه های هنری به منصفی ظهور می رسند و میراث هنری شکل می گیرد. بخش مهمی از ذوق و اندیشه و احساس هنرمند برای ارائه ی اثر هنری در حیطه ی فرش دستباف، برگرفته از این زیبایی های طبیعت و ملهم از آن است. انسان در هر محیطی که زندگی می کند و هر جایی که هست، فضا را به گونه ای می آراید که دوست دارد آنگونه باشد. او زیبایی را حق خود می داند و هر چیزی را که حس زیبایی و لذت درک آن را برایش ایجاد می کند، در محیط زندگی خود فراهم می آورد، اثر هنری

هم چیزی است که با این نیت آفریده می شود که قابلیت ارضای حس زیباشناختی انسان را به بار آورد.

زیبایی در فرش:

لازمه درک و فهم زیباشناسی از یک اثر، به این معنی که انسان از پدیده ای زیبا لذت ببرد، درک چگونگی آن پدیده و امر زیباست. شناخت و بررسی مبانی و ریشه های تشکیل دهنده در پدیده های زیباشناسی که باعث دریافت ذهن انسان از مشاهده ی زیبایی است، موضوع اصلی در دانش زیباشناسی است. (حشمتی رضوی، ۱۳۸۱: ۷۲)

زیبایی در فرش از جمله عواملی است که باعث ماندگاری آن در جهان هنر شده است، عوامل زیبایی در فرش را می توان به دو گروه زیبایی صوری و زیبایی باطنی تقسیم کرد. در حیطه هنرهای سنتی از جمله فرش، زیبای صوری بیشتر از زیبایی باطنی مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد. مجموعه عوامل ظاهری یا صوری خود به دو دسته، قابل تقسیم اند درونی و بیرونی، درونی آن قسمت از زیباییهای فرش است که در نگاه دوم، دقیق تر دیده می شود و بیشتر توسط بافنده و متخصصان فرش به چشم می آید. برای زیباشناسی فرش دستباف بررسی های زیباشناسانه محدود به فن بافت نمی شود بلکه مبانی اصلی هنر و امور زیبایی فرش از دو دیدگاه عمده رنگ و نقش، سهمی تعیین کننده در حوزه زیباشناسی دارد که جزء مهمترین زیبای های بیرونی فرش، محسوب می شوند. مهم ترین مسئله در حفظ زیبایی های فرش نیز در ارتباط با همین عوامل بیرونی می باشد. (دریایی، ۱۳۸۵: ۲۸)

زیبایی های بیرونی اساساً از خواصی مانند تعادل و تناسب ایجاد می شوند به طوریکه ارسطو می گوید:

«فرم های اصلی زیبایی عبارتند از نظم، تقارن و تعین» (دریایی، ۱۳۸۴: ۸۰)

شاید ساده ترین راه احساس رضایت انسان در مواجهه با اثر زیبا درک بصری وزن، آهنگ، تناسب و تعادل اشکال و رنگ ها با یکدیگر و نظم میان اجزا باشد. مثلاً در یک قطعه فرش عامل زیبایی زمانی خلق می شود که دارای ظاهری خوشایند و مطلوب بوده و هر یک از اجزای آن از تقارنی صحیح برخوردار باشد. (گروتز، ۱۳۹۰: ۳۷)

زیبایی های ظاهری بیش از وجه معنوی، خود را در بکارگیری دقیق توازن، تعادل و تقارن نشان می دهند. در هنرهای سنتی به طور عموم، صورت هنر رمز یک حقیقت برتر است، این صورت به آن حقیقت برتر اشاره دارد و این یکی از اصول جاودانه ی هنر سنتی در بین همه ی اقوام است. (دادخواه، ۱۳۸۷: ۸۸)

اگر به فرش به مثابه یک محصول فرهنگی و هنری فاخر بنگریم، هنری فارغ از تصاویر زمینی و دنیوی می باشد، نقش و نگاره هایی که در طرح فرش دیده می شود تجرید یافته و فراتر از طبیعت است، بنابراین تقلید عینی طبیعت نیست. (یزدانپناه، ۱۳۸۹: ۵۳)

زیبایی فرش امری تجریدیست و در فرش ایده ها و پدیده ها به صورت تجریدی شکل ظهور می یابند. نقوش فرش ماهیت معنا را روایت می کند همچنان که صور عالم وجود ناظمی قهار را گواهی می دهند. نقش فرش، همان نقش ارض است با این تفاوت صوری که نقش ارض گستره ای عالم گیر دارد و نقش فرش در عرصه ای کوچکتر، همان نقش را در بیت و منزل به عهده می گیرد. (همان: ۵۴)

«تصویرهای هنری شکل ویژه ای از انعکاس واقعیت اند و می توان آنها را انعکاس ذهنی دنیای واقعی توصیف کرد.» (زایس، ۱۳۶۳: ۸۰)

نقاش قالی می داند آنچه در درون او می گذرد بازتابی بیرونی دارد، خاستگاه هنر قالی ایران وصال عشق است و پیوند با مطلق و طرح و نقش فرش ایران تجسم و بازتاب همه ی این سیر و سلوک هاست. همان گونه که همه هنرها از اندیشه هنرمندان، فرهنگ و فلسفه دوران خود تأثیر می پذیرند، هنر فرش نیز از فضای فکری هنرمندش و از تمایلات و رویکردهای فرهنگی و زیباشناسانه ی محیطش متأثر می گردد. (چیت ساریان و آیت اللهی، ۱۳۸۴: ۱۷)

تردیدی نیست که ترسیم اشکال یا بازنمایی زنده گونه با صورت ویژه ی شهود و ایجاد تفاهم و عاطفه میان اثر و هنرمند همراه است. در دنیای فرش بین دست اندکاران و مخاطب عام یا خاص رابطه ای جدی وجود دارد به طوریکه ادواردز معتقد است که کار تولید کننده ی فرش القاء احساس زیبایی به مخاطب با الهام گرفتن از عوامل طبیعت یا الهامات درونی است.

در این حیطه هنرمند به منظور تجلی ماهرانه عالی‌ترین تلاش خود، اثر هنری اش را به یکی از این سه شیوه به وجود می‌آورد:

۱- بازنمایی یا شبیه‌سازی واقعیت عینی (در قالب‌های تصویری)

۲- ارائه تجریدی و انتزاعی واقعیت عینی یا حقیقت فراعینی (قالی‌های محرابی، شکارگاه)

۳- بیان نمادین از واقعیت عینی یا حقیقت فراعینی (قالی‌های افشان شاه‌عباسی، لچک‌ترنج و ...)(همان: ۲۰)

به طور کلی می‌توان گفت که اثر هنری هر گونه آرایش خلاقانه‌ی یک یا چند قالب بیان است که کارکرد اصلی‌شان ابلاغ یا انتقال یک موضوع زیباشناختی مهم و با معنی است، به رغم اینکه مفهوم «امر زیبا» بهتر از مفهوم بازنمایی، بیان یا صورت در خدمت معتقدان به کارکردگرایی ساده‌قرار می‌گیرد. (ریدلی، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۲)

هنرمندان سنتی کار و فرش‌باف ایرانی معمولاً قادر به بیان درون خود از راه زبانی نیستند، زبان آن‌ها آمیزه‌ای از رنگ و شکل است که بر اثر هنری نقش می‌بندد، در نقش‌پردازی فرش دامنه‌ی هنر و زیبایی از امور تجریدی مایه می‌گیرد که خارج از معیارهای قراردادی و دور از ابعاد زمان و مکان و اعراض است. در هر صورت طبیعت خاستگاه اولیه الهام هنرمند و عامل خیال‌پردازی ذهنی و نقش کردن اوست، او با درک اشکال طبیعت نقوش تصویر شده در هستی خود را رقم می‌زند و در این طریقه نقش کردن است که نسبت در نظر گرفته می‌شود و با توجه به آن، آهنگ کار ساخته شده و نقش به وجود می‌آید. (دریایی، ۱۳۸۵: ۲۷)

هنرمندان عرصه‌ی فرش دستباف به طور کلی در طراحی و نقش‌پردازی خود، هم وابسته به مفاهیم ذهنی هستند و هم مفاهیم و واقعیت‌های عینی را مدنظر دارند. اغلب این افراد رابطه‌شان با ادراکات حسی درون‌گر و مستقل است و به دلیل آن ویژگی درونی، استفاده از نمادها در اثر هنری به کثرت اتفاق می‌افتد. از تمامی این موارد می‌توان نتیجه گرفت که در دنیای فرش، هر هنرمندی معیارهای نقش‌زنی خود را مطابق با حالات روانی‌اش به کار می‌گیرد. در زمینه‌ی زیباشناسی فرش دستباف، بررسی عوامل زیبایی، برای ارزیابی و درک بهتر زیبایی و ارزش آن، امری ضروریست. بخش اصلی

عوامل زیبایی در فرش به عوامل بیرونی مربوط می شود که اصلی ترین آن ها عبارتند از طرح، نقش، رنگ، مواد اولیه، ابعاد و ... برای درک و شناخت بهتر این عوامل ظاهری، بررسی عناصر بصری و کیفیات آن ها، در درجه ی اول اهمیت قرار می گیرد. عناصر بصری اولین اجزایی هستند که چشم دریافت می کند، از آنجا که اینها اجزاء اساسی همه انواع تصاویر به شمار می روند می توان آنها را سازندگان اصلی جهان مرئی به حساب آورد. (جنسن، ۱۳۸۴: ۲۱-۲۰) در هر اثر هنری، وجود عناصر بصری، زمینه لازم برای ارائه ی یک تصویر زیبا و ماندگار را فراهم می آورد. مهمترین عناصر بصری موجود در هر اثر هنری، خط، نقطه، وزن، تراکم صور، معنا، سایه روشن و ... می باشند در قلمرو هنر، هنرمند می تواند در این عناصر دخل و تصرف کرده و آن ها را تغییر دهد. می توان از تمام عناصر بصری به صورت عینی استفاده کرد یعنی برای توصیف بازنمایانه ی اشیا یا آن ها را به صورت ذهنی برای بیان عواطف و اندیشه ها به کار گرفت. اصلی ترین و مهم ترین کیفیات بصری که زیبایی اثر، ناشی از آن ها می باشد عبارتند از تعادل، تقارن، تناسب، ترکیب بندی (کمپوزیسیون)، تباین (کنتراست)، ریتم و حرکت و ... در بررسی زیباشناسانه ی یک قطعه فرش دستباف به عنوان اثری هنری، همان گونه که در دانش زیبایی شناسی نظری ثابت شده است، ابتدا، انسان باید اثری را که شیء زیبا در نفس او می گذارد، احساس کند، چرا که احساس زیبایی مقدم بر درک و تفسیر آن است و بعد به تفسیر این احساس و درک علل و عوامل آن بپردازد و ویژگی های آنچه زیباست و احساسات و عواطف انسان را برمی انگیزد، تجزیه و تحلیل کند عواملی که موجب صور لذت بخش می شوند عبارتند از تناسب عناصر بصری در صورتیکه دارای وحدت بوده و هماهنگ باشند، زیبایی را ایجاد می کنند. برای تجزیه و تحلیل عوامل زیبایی در فرش دستباف با عوامل ظاهری و بیرونی آغاز می کنیم.

طرح و نقش: یکی از مهم ترین و اساس ترین عوامل تأثیرگذار در زیبایی فرش ایران می باشد و به لحاظ همین اهمیت در صدر قرار گرفته است. طرح و نقش یکی از دلایل اصلی مرغوبیت فرش ایرانی است. طرح فرش های ایران زیبایی چشم نوازی دارد و در غایت دقت محاسباتی ترسیم می شوند و حامل مفاهیم معنوی و باطنی هستند. شکل و محتوا به بهترین صورت در طرح و نقش ایرانی، با هم

هماهنگ است. (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۷۷) جنبه ی ناب زیبایی و هنری فرش ایران در نقش پردازی آن به طور بارز آشکار می شود. ضوابط و معیارهای ترتیب نقش ها را طرح تعیین می کند، طرح در نخستین گام خطوط اصلی و سپس نظم فرعی نقش هاست. (حصوری، ۱۳۸۵: ۷۹)

برخی منشأ طرح و نقش فرش ایرانی را طبیعت می دانند و برخی دیگر ورای طبیعت، مورد اول بازنمایی و شبیه سازی واقعیت عینی است و به شیوه ی طبیعت گرایانه طراحی انجام می شود و در مورد بعدی با استفاده از شیوه های دیگر طرح و نقش فرش به صورتی فراطبیعت گرایانه و یا تلفیقی از شیوه ی طبیعت گرایانه و فراطبیعت گرایانه، خلق می شوند. (چیت سازیان و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۱) به طور کلی می توان گفت، نقوش فرش ایران، نقاشی پیام و نقاشی بیان است که گاهی صریح و گاهی با رمز و استعاره و پوشیدگی رازگونه جلوه می کند.

رنگ: یکی از عوامل ظاهری و زیبایی فرش دستباف ایرانی می باشد که کیفیات و خصوصیات برجسته ای به فرش می دهد و به آن هویت می بخشد. رنگ یکی از مهمترین عناصر بصری است که دارای بار احساسی و عاطفی خاصی می باشد و دارای نیروی ویژه ای در انتقال اخبار بصری است. (داندیس، ۱۳۶۸: ۸۸) رنگ در قالی و دستبافتهای ایرانی زبانزد مردم جهان است و هنرمندان ایرانی همواره دلبسته ی هماهنگی رنگ با طرح و نقش فرش بوده اند، تا با ایجاد تعادل میان طرح و رنگ فرش، زیبایی را ایجاد و آن را به مخاطب القا کنند. کاربرد رنگ در فرش و رنگرزی آن نیز براساس یکی از این سه شیوه انجام می گرفته است، ۱- طبیعت گرایانه ۲- فراطبیعت گرایانه ۳- تلفیقی. کاربرد رنگ در فرش در هر منطقه جغرافیایی ویژگی هایی خاص دارد به طوریکه برای بررسی زیبایی های رنگ در فرش ایران، عوامل مربوط به جغرافیای بافت و رعایت اصول و مبانی رنگ در فرش، از جمله مولفه های مهم است. (دریایی، ۱۳۸۵: ۳۳)

ابعاد فرش: مهمترین مسئله در حفظ زیبایی های فرش، در ارتباط با ابعاد آن، تناسب طرح و نقش و اندازه های فرش است. بعد از مشخص شدن ابعاد فرش، طراح فکر می کند چه نوع طرح و نقش را به تناسب مساحت مورد نظر فرش برای آن به کار گیرد. ابعاد فرش در اصل با نیازهای روحی انسان تناسب و آمیختگی دارد. روابط ابعاد نه تنها به عنوان نشانه های فضایی بلکه به عنوان نمادها و به